

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ اگست ۲۰۱۸

سگها بالای یک دیگر غو زدند

جمعه- ۰۲ سنبله ۱۳۹۷ - کابل: شاید شما هم از طریق رسانه ها دیده و خوانده باشید، که در جریان یک جلسه امنیتی که از جانب "برمک" وزیر داخله دولت دست نشانده به ارتباط فیر چند هاوان و راکت بر ارگ و وزارت دفاع دایر شده بود، بین وزیر داخله و جنرال "محمد صادق مرادی"، معاون امنیتی قومندان کابل مشاجره لفظی صورت گرفته در حالی که وزیر در مقابل تمام رسانه ها به جنرال نامبرده "بی کفایت" خطاب نموده به وی امر می نمود تا به جایش بنشیند، جنرال "مرادی" حرف وی را قطع نموده از "مشکلات رهبری" در وزارت داخله و "بی پروائی" شخص وزیر یاد نمود.



هر چند در یک دولت دست نشانده و مزدور اجانب که هریک از اعضای باند های قدرت، روابط استخباراتی و جاسوسی خاص خود را با این و یا آن قدرت اشغالگر دارد، درگیری بین افراد و مقامات آن دولت، امریست عادی و قابل انتظار، مگر این درگیری از چند جهت می تواند عواقبی را به دنبال داشته باشد:

۱- بین مرادی و برمک دو نقطه مشترک وجود دارد:

مزدوری و نوکری اجانب و دشمنی آشتی ناپذیر با خلق افغانستان. در حالی که وجوه اختلاف بین آنها بیشتر می باشد:
الف- مرادی از سگهانست که به وسیله جلال خاد داکتر "نجیب" پرانچه شده، بعداً با پیوستن به نیروهای دوستم و شرکت در جنایات آن باند و خدمت به استخبارات روس، مدارج ترقی را پیموده است، در حالی که از لحاظ سابقه، "برمک" از جمله صد ها و هزارها قاچاقبر پنجشیری است که با فروش سنگهای قیمتی خود را به انگلستان رسانیده، به خاطر فرار از تعقیبات پولیس جنائی ضمن فقیر نمائی و رساندن پیتزا پشت دروازه های مردم، در خدمت "ام. آی. ۶" نیز قرار گرفت.

ب- خلاف "مرادی" که بعد از طی مراحل از ضابطی تا جنرالی رسیده و اینک قسماً به اساس توصیه دوستم و قسماً به اساس سابقه کار و آمادگی به جنایت و خدمت به اشغالگران به این مقام تکیه زده است، "برمک" بدون کمترین سابقه کاری در افغانستان به خصوص دریکی از نهاد های امنیتی هرگاه سوابق کارش با خاد "ببرک" و "واد" نجیب به حساب آورده نشود، به مثابه سهم "عبدالله عبدالمود" از جانب انگلستان به این مقام منصوب شده است.

پ- در حالی که "مرادی" تلاش می ورزد یا جهت تشدید تضاد "باندارگ" و یا هم خود را به طرف زور چسپاندن، بیشتر از آن که به سراغ "برمک" وزیر داخله برود به سراغ "لودین" مشاور خاص "غنی احمدزی" در امور وزارت داخله و از آن طریق به شخص "غنی احمدزی" خود را نزدیک و منقاد نشان دهد، "برمک" که گویا پشتش از جانب انگلستان پر و محکم است، تلاش دارد تا روند حرکت قضایا را در وزارت داخله به دور از چشم "غنی احمدزی" به انتها برساند.

ت- تعلقات گذشته و چه بسا همین اکنون "مرادی" به روسها و تعلق صد درصد کنونی "برمک" به استخبارات انگلیس و تضادی که بین روس و انگلیس وجود دارد نیز مسأله دیگر است که می تواند آتش جنگ بین آن دو را مشتعل بسازد.

۲- "مرادی" و "برمک" نه تنها از لحاظ شخصی می توانند با هم اختلاف داشته باشند، بلکه تعلقات و خاستگاه های آن ها تا رسیدن به قدرت نیز در تضاد با یک دیگر قرار دارد. یعنی در حالی که "مرادی" متعلق و نماینده آن طیف از خاینان به کشور است که نخستین نردبان ترقی آنها جنایات بی حساب آنها ست، "برمک" نماینده آن قشر است که مستقیماً به وسیله استعمار به این منصب و مقام گماشته شده اند و نردبان قدرت آنها بیشتر جاسوسی، وطنفروشی و خیانت به وطن و هموطن بوده است.

تقابل این دو طیف که در مقطع کنونی هر دو در خدمت استعمار قرار دارند، همان پاشنه آشیلی است که اشغالگران تا حال نتوانسته اند آن را حل نمایند و به یقین در آینده نیز موفق به حل آن نخواهند شد.

و اما این که قشر نظامیان کشور، این توهین یک مسافر "ب-۵۲" را چگونه تحمل می نمایند و یا قشر مقابل، چه عکس العملی نشان خواهد داد، مسأله ایست منوط به آینده:

دیده شود چه می شود!